

تاریخ: ۱۰:۳۰ صبح	روز: ۱۷	مدت: ۹۰ دقیقه
------------------	---------	---------------

شماره نام صحیح اول	نمبر عدد	نمبر حرف
شماره نام صحیح دوم	نمبر عدد	نمبر حرف

پاسخ نامه

کد امتحان:	۳۴۰۱۲۱۸
تاریخ آزمون:	۱۴۰۱/۳/۲۵
عنوان:	قواعد فقهیه ۲
کتاب:	دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه
محدوده:	قاعده فراغ و تجاوز، نفی حرج، بد، سوق المسلمین، سلطنت، علی البید
حذفیات:	ندارد

منبع: دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه - جلد یک و دو - مرکز نشر هاجر

۰/۵

۱- نظر مصنف پیرامون استدلال به حکم عقل برای اثبات قاعده نفی حرج چیست؟

- الف. استدلال صحیح است چون تکلیف حرجی قبیح است
- ب. استدلال صحیح است چون بین حکم عقل و شرع تلازم است
- ج. استدلال صحیح نیست چون تکلیف حرجی قبیح نیست
- د. استدلال صحیح نیست چون هر تکلیفی مشتمل بر نوعی حرج است

۲- برای توجیه نکته فنی که به خاطر آن سیره عقلا بر حجیت ید منعقد شده است وجوهی گفته شده است؛ کدام گزینه از جمله وجوه مذکور است؟

۰/۵

- الف. تعبد محض
- ب. ایمان و عدالت صاحب ید
- ج. وثاقت صاحب ید
- د. غلبه مالک بودن صاحبان ید

۰/۵

۳- کدام گزینه وجه حجیت قاعده سوق است؟

- الف. سوق مسلمین کاشف از مسلمان بودن صاحب ید است
- ب. سوق مسلمین کاشف از تحقق شروط شرعی است
- ج. به خاطر تعبد شرعی سوق مسلمین حجیت دارد
- د. به خاطر اضطرار سوق مسلمین حجت شده است

۰/۵

۴- إذا كان بلد یشتمل علی سوقین أحدهما مسلم و الآخر لیس كذلك و لم نمیز هذا عن ذاك فهل يجوز الشراء من أحدهما؟

- الف. جایز است
- ب. جایز نیست
- ج. به قید قرعه جایز است
- د. هر کدام ظن قوی تر به اسلامش باشد جایز است

۰/۵

۵- به نظر شیخ انصاری رحمه الله دلیل ظهور روایت «علی الید ما أخذت حتی تؤدی» در حکم وضعی چیست؟

- الف. نسبت داده شدن به اموال
- ب. نسبت داده شدن به فعل مکلف
- ج. ظهور کلمه ید در حکم وضعی
- د. تناسب نداشتن حکم تکلیفی در اینگونه احکام

۲

۶- مصنف برای تعمیم قاعده تجاوز نسبت به غیر باب نماز سه وجه ذکر کرده است؛ یکی از آنها را بیان کنید.

وجه اول: یکی دانستن قاعده فراغ و تجاوز؛ وقتی این دو قاعده یکی دانسته شود و از طرفی هم بدون شک قاعده فراغ اختصاصی به باب نماز ندارد پس خود به خود قاعده تجاوز هم شامل غیر نماز می شود.

وجه دوم: هر چند مورد روایات قاعده تجاوز خصوص باب نماز است ولی از آنجا که قدر متقین در مقام تخاطب مانع تمسک به اطلاق نمی شود لذا با تمسک به اطلاق ذیل این روایات می توان شمول این قاعده نسبت به غیر نماز را ثابت کرد.

وجه سوم: پذیرش عموم موثقه محمد بن مسلم که می گوید کل ما شککت فيه مما قد مضى فامضه كما هو نسبت به شک در جزء یا اصل عمل و عدم اختصاص او به خصوص اجزاء مرکب.

۲/۵

۷- با توجه به عبارت زیر دلیل عدم جریان قاعده تجاوز در غسل و تیمم را توضیح دهید.

«إذا أريد إجراء قاعدة التجاوز في باب الوضوء ففيم تجري؟ هل تجري في نفس الطهارة، وهذا لا معنى له لأنها أمر بسيط، أو في الغسلات والمسحات، وهذا لا معنى له أيضا لأنها ليست بنفسها واجبة بل هي محصلة للواجب. و واضح ان الشك في المحصل مجرى للاحتياط. هذه هي النكته التي من أجلها لم تجر قاعدة التجاوز في الوضوء، وهي عامة للتيمم و الغسل أيضا»

محل اجرای قاعده تجاوز در وضو چیست؛ اگر مجرای قاعده خود طهارت حاصل شده برای انسان باشد که معنی ندارد چون طهارت امر بسیطی است در حالیکه قاعده تجاوز در مرکب جاری می شود و اگر در شستن و مسح کردن ها قاعده بخواد جاری شود، این هم معنی ندارد چون این شستن ها و مسح کردن ها خودشان واجب نیستند بلکه ایجاد کننده واجب هستند؛ واجب طهارت بدن است که با غسلات و مسحات حاصل می شود.

۸- محقق خوئی مخالف جریان قاعده فراغ و تجاوز در فرض قطع به غفلت است؛ با توجه به عبارت زیر یکی از دلایل ایشان بر این مطلب را توضیح دهید.

«... و ذلك لوجهين: -أ- ان قاعدة الفراغ و التجاوز لم تشرعا لتأسيس مطلب جديد تعبدى على خلاف المراكز العقلية، بل هما قاعدتان

ناظرتان الى ما عليه سيرة العقلاء ... ب- التمسك بتعبير الأذكريه و الأقربيه»

۲

وجه اول: قاعده فراغ و تجاوز یک قاعده تعبدی و تأسیسی جدید از طرف شارع نیست بلکه در صدد تأسیس قاعده در راستای مرتکبات عقلایی است و آنچه در نزد عقلا مرتکز می باشد جریان قاعده در فرض احتمال توجه به وظیفه می باشد. وجه دوم: در برخی روایات قاعده فراغ و تجاوز آمده «لأنه حين العمل اذکر» این تعبیر نشان می دهد که نکته جریان قاعده همان التفات بیشتر فاعل به خصوصیات عمل در حین عمل است و وقتی مکلف یقین دارد که حین عمل غافل محض بوده دیگر نمی توان گفت که در حین عمل توجه بیشتری به عمل داشته است.

۲

۹- با توجه به عبارت شبیهه تخصیص اکثر در قاعده نفی حرج را بیان و پاسخ دهید.

«قد يشكل على قاعدة نفى الحرج بكثرة التخصيص، فالجهاد حرجي و قد خرج وجوبه من القاعدة، و هكذا حرمة الفرار من الزحف أو وجوب تسليم النفس للحد و القصاص و ... و كثرة التخصيص، حيث إنها مستهجنة فيكشف ذلك عن ارادة معنى من القاعدة غير ما نفهمه منها لا تلزم منه كثرة التخصيص»

اشکال: احکام زیادی در فقه وجود دارد که با وجود داشتن مشقت زیاد در انجام آنها ولی مشمول قاعده لاجرح نمی شوند مثل جهاد و حرمت فرار از میدان جنگ و لزوم تسلیم نفس برای اجرای حد و قصاص و مانند اینها؛ و از طرفی هم کثرت تخصیص قبیح می باشد این خود نشانه این است که ادله قاعده لاجرح در صدد بیان مطلب دیگری هستند که متوجه آن نمی شویم پاسخ: عدم شمول قاعده نسبت به احکام مذکور هیچ محذوری ندارد چون اصل احکام مذکور عقلایی هستند و برای مصالح اجتماعی می باشد و اتفاقا برداشتن آنها عقلایی نمی باشد.

۱۰- اشکال مذکور در عبارت مربوط به چه بحثی است؟ خلاصه آن را بیان کنید.

«ان الخليفة الأول ادعى ان النبي صلى الله عليه و آله لا يورث، و أنّ فدكا ينبغي أن لا تكون ارثا للزهراء عليها السلام بل فينا لجميع المسلمين، إلا إذا أقامت- سلام الله عليها- شهودا على ان النبي صلى الله عليه و آله قد انحلهما إياها في حياته فإنه يحكم بكونها ملكا لها، و إلا فلا حق لها. و في هذا المجال اعترض أمير المؤمنين عليه السلام بأن الزهراء عليها السلام ما دامت صاحبة يد على فدك فلما ذا مطالبتها بالبيّنة، فإن صاحب اليد لا يطالب بالبيّنة.»

۲

این عبارت مربوط به قاعده يد می باشد که اگر صاحب يد مدعی باشد که ملک را قبلا از کسی گرفته در این صورت مدعی می شود و باید اثبات کند که آنچه در دست او می باشد ملک او است

با توجه به آنچه گفته شد اشکال شده که اگر در قاعده يد چنین مطلبي وجود دارد پس چرا امیرالمؤمنین علیه السلام در روایت زیر به قاعده يد اثبات کرده با اینکه حضرت زهرا سلام الله عليها اقرار دارد که قبلا فدک ملک پیامبر صلی الله عليه و آله بوده است.

خليفة اول ادعا می کند که پیامبر صلی الله عليه و آله چیزی به ارث نمی گذارد پس فدک هم به حضرت زهرا سلام الله عليها نمی رسد مگر اینکه ایشان شاهد بیاورد که پیامبر صلی الله عليه و آله در زمان حیات خود فدک را به حضرت بخشیده است در این حال امیرالمؤمنین علیه السلام اعتراض مکه وقتی حضرت زهرا سلام الله عليها بر فدک يد دارد و مسلط بر آن است نباید از او مطالبه بینه بشود پس معلوم می شود که يد داشتن علامت ملکیت است.

۱۱- توجه به عبارت زیر وجه عدم جبران ضعف سند حدیث سلطنت به شهرت را بیان کنید.

«اما انجباره بالشهرة الروائية فباعتبار عدم تحقق الشهرة المذكورة لأنها إنما تتحقق بشهرة نقل الرواية في كتب الحديث و ذلك لم يتحقق لأنها لم تنقل في شيء من كتب الحديث سوى عوالي اللآلي. و اما انجباره بالشهرة الفتوائية فباعتبار ان ذلك موقوف على عمل الطبقة المتقدمة من اعلامنا به و لا يكفي اشتهاار العمل به بين الطبقة المتأخرة كالعلامة الحلي»

۲

ضعف سند روایت الناس مسلطون على اموالهم با شهرت قابل جبران نیست چون اگر مقصود از شهرت، شهرت روایی باشد که این شهرت در مورد روایت محل بحث محقق نیست چون در کتب حدیثی غیر یک کتاب نقل نشده است لذا شهرت روایی ندارد. و اگر مقصود شهرت فتوایی است شرط شهرت فتوایی برای جبران ضعف سند روایت این است که در بین قدام عمل به روایت مشهور باشد در حالیکه عمل به این روایت در بعد از علامه حلی معروف شده است.

۱۲- حکم مسأله مطرح شده در عبارت زیر را با دلیل بیان کنید

«إذا أراد المالك أن يحدث في ملكه حماما أو بالوعة و كان ذلك موجبا للإضرار بالجار فسوف تتعارض قاعدة حرمة الاضرار بالجار مع قاعدة تسلط المالك على ملكه، و المناسب أن يقال: تارة يفترض ان المالك لا يتضرر من عدم احداث الحمام و بالوعة»

۲

در فرض فوق احداث حمام و مانند آن جایز نیست چون ضرر زدن به دیگران حرام است و نمی توان به استناد قاعده تسلط گفت هر کسی اختیار ملک خود را دارد پس می تواند در آن حمام و مانند آن بسازد؛ چون دلیل قاعده تسلط اگر سیره عقلا باشد، عقلا در چنین موارد برای مالک سلطه ای قائل نمی شوند و اگر هم دلیل موثقه سماعه باشد این هم نمی توان جواز تصرف فوق را ثابت کند زیرا آن روایت صرفا اصل اختیار و تسلط را اثبات می کند و به فرض تعارض ضرر و تسلط نظر ندارد.